

بررسی درون‌نگرانه‌ی معماری مسجد جامع اصفهان با تاکید بر زمینه‌یابی مفاهیم غیبی غزلیات حافظ و مولوی*

فاطمه جلیل‌زاده محمدی

دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

بهمن ادیب‌زاده

دانشیار گروه معماری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

دانشیار دانشکده معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: adibzadh@yahoo.com

احمد امین‌پور

استادیار گروه معماری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

چکیده

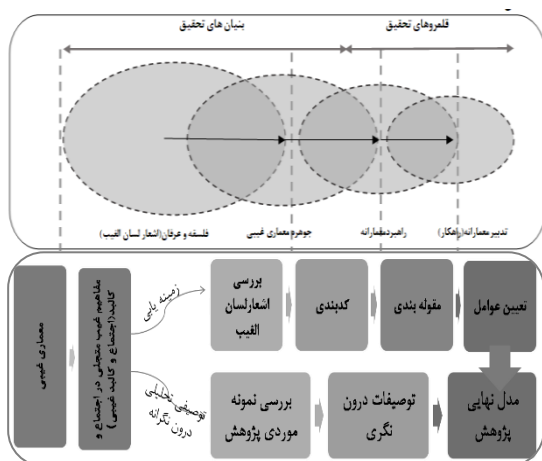
میان ساختارهای پنهان مساجد و مفاهیم غیبی متجلی در ادبیات غیبی ایران، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که نشانگر نحوه‌ی نگرش بر مفاهیم غیبی است. این مفاهیم در تمام شئون زندگی آدمی، از جمله معماری متجلی شده و می‌توان پیروی از اصول آن مفاهیم، در شیوه‌ی ساخت مساجد ایرانی به خصوص در مکتب اصفهان مشاهده نمود. با این مشاهدات، این سوال پیش می‌آید که چه عاملی سبب تجلی مفاهیم غیبی در معماری مساجد و در مقیاس عینی‌تر و جزئی‌تر در مساجد جامع اصفهان شده است؟ و در آن چه شواهدی از تأییدات غیبی در تقویت تمرکز حواس و تقرب حس می‌شود؟ در این راستا این پژوهش با هدف پاسخ به سوالات مطرح شده، به طور خاص در مسجد جامع اصفهان می‌کوشد به عواملی بپردازد که باعث تجلی غیب در این بنا گردیده است. برای پاسخ به این سوالات، روش پژوهش کیفی، مبتنی بر بررسی مورد با استفاده از شیوه‌ی تحلیل زمینه‌یابی و توصیفات درون‌نگرانه انتخاب شده است. در ابتدا با شیوه‌ی زمینه‌یابی و با مراجعه به منابع غیبی در ادبیات ایران، عوامل اجتماعی-کالبدی غیبی به عنوان شاخص‌های ایجاد مغیب ارائه شده است؛ و سپس با بررسی نمونه موردی توصیفات درون‌نگرانه و برداشت‌های درونی از مفاهیم مستتر در معماری مسجد جامع اصفهان، در جهت تدقیق عوامل موثر در تجلی غیب ارائه می‌گردد. حافظ و مولوی به عنوان نمونه‌ای از انسان‌های واصل بر مراتب غیب، اشعاری ارائه نموده‌اند که مشحون از مفاهیم مربوط به عوالم غیبی است. این اشعار به چگونگی رابطه‌ی انسان با عوالم غیبی در سلسله‌مراتب عوالم مادی، مثالی و ملکوتی می‌پردازد و شاید با تأمل در آنها می‌توان بر نحوه‌ی دریافت‌های غیبی شاهدان غیب در هر زمینه‌ای از جمله معماری دست یافت. با غور در این اشعار مفاهیمی چون بیرون کردن نعلین، خرقة‌ی می‌آلود، انشای هندسه‌ی درون، تتق غیبی، خرابات، جام جم و غیره به دست آمده و با بررسی تأثیرات روانی آنها و پی‌جویی در عناصر معماری در مسجد جامع اصفهان، موجب ایجاد قرار و حس تقرب شده است.

واژه‌های کلیدی: مغیب، شعر غیبی، مسجد جامع اصفهان، درون‌نگری، زمینه‌یابی.

۱. مقدمه

ایمان عقده قلبی است که در نتیجه‌ی رسوخ معرفت و آگاهی به حقیقت در دل به دست می‌آید. آگاهی قلبی، مایه‌ی تمرکز بر ساحت حق و گام نهادن در مسیر تقرب بوده و بر همه‌ی شئون زندگی رنگ معنوی به خود می‌بخشد. (رازجویان ۱۳۸۰، ۱۱۸). رنگ معنوی یافتن زندگی، بر انسان نوعی حس «تقرر در تحت حمایت‌های غیبی» (مطهری ۱۳۵۴، ۶۰) می‌گردد. پشتیبانی و تقرر غیب در شئون انسانی تجلی پیدا می‌کند. به بیانی ساده‌تر معماری، می‌تواند هم‌نهمستی‌هایی از زمان-مکان را متجلی دارد. در هم‌نهمستی‌های زمان-مکان، قابلیت‌های از غیب چون نور (اکاچ ۲۰۰۵، ۷)، و نوای روحانی، هندسه‌ی مقدس (مددیور ۱۳۸۷، ۴۴۲) و غیره بر انسان، به‌عنوان شاهد امورات غیبی متذکر می‌شود. تذکر بر غیب در طول تاریخ تفکر انسانی، همراه حکمت و کتاب خدا با هم بوده است (ریبی ۱۳۹۳، ۳۰)؛ و این همراهی، انسان شاهد غیب را به‌عنوان موجود مدرک ایدئولوژی غیبی و فرامادی قرار می‌دهد (مطهری ۱۳۶۹، ۴۹). در تفکر انسان مدرک حکمت غیبی، مسجد مکان تذکر بر غیب و وصول به آن بوده و اوج آن را می‌توان در مکتب اصفهان دید. در مسجدسازی به مثابه مکان تذکر بر غیب در مکتب اصفهان، معمار با پیروی از صفات بی‌زمان منشا غیب، مسجد را به‌عنوان یکی از مغیبات تجلی‌دهنده‌ی غیب (هیلن‌برند ۱۳۸۰، ۳۱) معرفی می‌کند. برای نمونه، مسجد جامع اصفهان، به‌عنوان نماینده‌ی معماری غیبی ایران (زمرشیدی ۱۳۹۳، ۷۴) معرفی شده است. به بیان صاحب‌نظران، این بنا دارای ریشه‌ی تکوینی اتصاف به غیب است و به تأمین غیبی‌ترین نوع وحدت زندگی جمعی، با تقریب ماده و معنا، شهود و غیب می‌پردازد (بلخاری قهی ۱۳۸۸، ۶۵). هم‌نشینی شهود و غیب در این بنا، زمینه‌ی ورود معماری مساجد ایران بر عرصه‌ی نوینی بر پایه‌ی روح حاکم بر آموزه‌های غیبی گردانده و بر معماری ایران قدرت و نجابتی افزوده که بعدها در سایر معماری‌های این سبک، خود را نشان داده است (اتینگهاوزن و گرابار ۱۳۹۱، ۲۹۹). با در نظرگیری این ویژگی، شاید بتوان روح حاکم بر فرهنگ آن دوره را در لسان ادیبان واصل به غیب چون حافظ و مولوی، روشن نمود. در نتیجه‌ی این بررسی، می‌توان نحو ایجاد حس تقرر، تقرب و جاودانگی توجه به غیب را تبیین نمود. برای چگونگی روند ایجاد شرایط تجلی غیب در معماری مسجد، تلفیق روش‌های مختلف عقیدتی، عرفانی، فلسفی و دینی ذیل غیب، و تکیه بر دریافت‌های دورنی برآمده از جنبه‌های ثابت وجود آدمی، توصیفاتی درون‌نگرانه مشاهدات میدانی را در مسجد جامع اصفهان

صورت داده؛ و متناظر با آن به کدگذاری تجلیات غیبی لسان حافظ و مولوی، در مقایسه‌ای تطبیقی پرداخته است. امید است معرفت بر این مراتب و کاربرد شئون آن در مسجدسازی، در تعالی بر مراتب غیبی و قرب افراد موثر افتد.



شکل ۱. فرآیند تحقیق در مدل معماری غیبی معماری غیبی حلقه‌ی واسط بنیان‌ها و قلمرو پژوهش (ماخذ: نگارندگان)

با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای پژوهش، توصیفاتی تکمیلی بر اساس مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای ارائه می‌گردد. طی این پژوهش، نظریه‌ی «معماری مغیب»، متشکل از گزاره‌هایی که مقیاس آن، ناظر بر حلقه واسط بین بنیان‌ها و قلمرو پژوهش است؛ در قالب مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط، پدیده‌ی تجلی غیب را در معماری مغیب، با ارجاع به مفاهیم غیرقابل مشاهده و انتزاعی، تبیین می‌کند (گروت و وانگ ۱۳۸۶، ۷۶) مجموعه گزاره‌های هنجاری دارای ارتباط منطقی وحدت می‌یابند تا نظریه، بر اساس قابلیت «افتخار کنندگی» اعتبار یابد (رئبسی ۱۳۹۶، ۵۸).

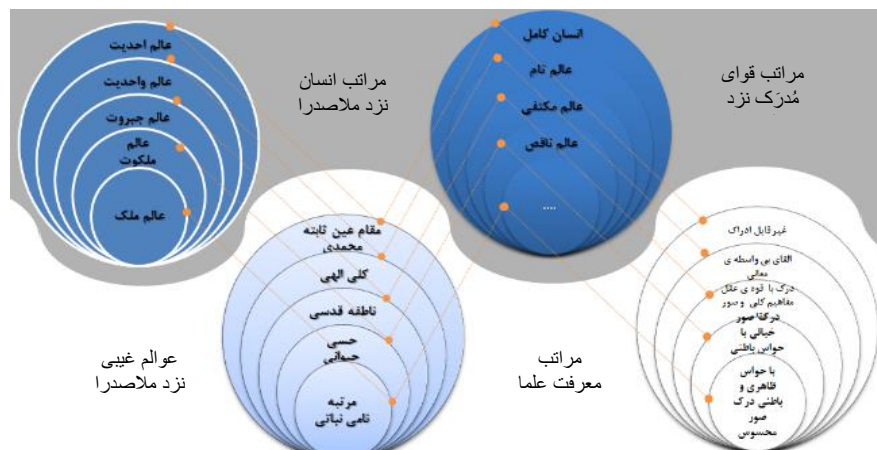
۲. روش تحقیق

در این پژوهش با بررسی منابع موجود در زمینه‌ی معماری غیبی مساجد ایران و با توجه به مستندات و کتابخانه‌ای به ماهیت انگاره‌های غیبی، با روش «درون‌نگری» و استراتژی «زمینه‌یابی» پرداخته شده است. درون‌نگری تکیه بر توانایی فردی، در ادراک جنبه‌های غیبی وجودی خویشتن دارد (ابوالقاسمی و غیره ۱۳۸۸، ۴۱۵) و در ادراک مفاهیم و نیز در ثبت فرآیندهای ذهنی (کاوایی

۴. عوالم غیبی از منظر ملاصدرا

بر این اساس، اشیا با این که حقیقتاً دارای افعال و آثار هستند؛ ولی تمام آنها با منشأ غیب نسبت دارند (شیرازی، ۱۳۶۰، ۳۷۳-۳۷۴)؛ موجودات مراتب غیبی را طی می‌کنند... و در پایان مسیر استکمالی خود مظهر غیب قرار می‌گیرند (خادمی، صلواتی، پوراکبر، و دولت‌آبادی، ۱۳۹۷، ۴۷). همه مراتب غیبی، محمول ماهیت غیبی هستند؛ از سنخ مفهوم و در ابتدا فاقد این ماهیتند (شیرازی، ۱۳۹۱، ج ۵، ۲؛ احمدی و رصافی بی‌تا، ۱۵) انکشاف و ظهور هر مرتبه، در گرو انکشاف و بروز مرتبه بالاتر است. این همان تأویل مراتب غیبی است که نفس با جمیع مراتب حتی مراتب محسوس، متحد شده و به آنها علم حضوری پیدا می‌کند (بیدهندی، ۱۳۸۳، ۱۱) در میان موجودات انسان، در بدو پیدایش نسبت به طی مراتبی که در پیش روی دارد؛ حالت بالقوه داشته؛ تا این که به درجه‌ای از مراتب می‌رسد که جامع جمیع کمالات مراتب غیبی می‌گردد.

اعتقاد به مراتبی بودن عالم و وجود عوالم مختلف بین عالم محسوس و معقول، در ایران قبل از اسلام آغاز شده و تا دوره‌ی اسلامی ادامه پیدا کرده است. این حقیقت، توسط حکمای نامی ایران از جمله شیخ شهاب‌الدین سهروردی، صدرالمآلهین شیرازی، ملاهادی سبزواری و غیره مورد توجه قرار گرفته است. اما آنچه این مراتب را به گونه‌ای نظام‌مند و متکی بر هویت غیبی حق تعالی تبیین فلسفی می‌نماید؛ نظریه‌ی وحدت مراتب غیبی^۶ ملاصدرا بر اساس سلسله‌ی تشکیکی پدیده‌ها^۷ است (سوزنچی، ۱۳۸۳، ۳۴)؛ و آن سریانی است از درجات کمال و نقص^۸ (شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۶، ۱۱۷-۱۱۶)؛ به گونه‌ای که هیچ مراتبی از آن خالی نیست (شیرازی، ۱۳۶۰، ۵۰). سریان غیب در مراتب غیبی، به این معنا نیست که واجب در هر مرتبه‌ای دارای ماهیت آن مرتبه شود؛ بلکه غیب مطلق در آن مرتبه جلوه دارد؛ ولی محدود به آن نیست (شیرازی، ۱۹۹۰، ج ۶، ۵۵-۵۶).



شکل ۴. مراتب انسان، هستی، معرفت نزد ملاصدرا (نقره‌کار، مظفر، و تقدیر، ۱۳۹۶، ۸۶؛ خادمی و پوراکبر، ۱۳۹۳؛ عروتی موفق، ۱۳۹۵، ۵۵-۵۸؛ عسکرزاده مزرعه و علم‌الهدی، ۱۳۹۵، ۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ۲۸)

مشاهده کند (غیب‌الغیوب فاقد تجلی است). عوالم غیبی و مراتب آن از غیب‌الغیوب منشأ می‌گیرند و در واقع اسماء الهی تجلیات حق در عالم غیب و شهادت هستند؛ همه مظهر صفات متکثره ذات حقند (شنکایی، ۱۳۸۸، ۱۶-۱۹). مراتب غیبی بی‌نهایت هستند؛ اما به اجمال با توجه به نحوه‌ی صورت‌پذیری و سایر شئون، آنها را در سه مرتبه خلاصه می‌کنند. در دسته‌بندی دیگر از این مراتب می‌توان مراتب «واحدیت» و «احدیت» یا «لاهوت» و «هاهوت» را به آن اضافه نمود (نقره‌کار، مظفر، و تقدیر

در این ترکیب انسان هم علم است و هم معلوم (داوری اردکانی، ۱۳۸۰، ۵۷)؛ و همه‌ی مراتب را در خود به صورت عمودی متدرج، از جبروت تا ناسوت می‌یابد. مراتب مادون چون آینه‌ای، تمام سطح مافوق خود را نشان می‌دهد (دین‌محمدی و آریان، ۱۳۹۱، ۲۲۶). عالم جبروت در ملکوت انعکاس دارد؛ ملکوت در مثال و این عالم نیز در ناسوت یا عالم ملک، در نتیجه کل هستی در انسان انعکاس پیدا می‌کند و انسان می‌تواند ناسوت را در تجلیات عالم مثال، عالم مثال را در تجلیات جبروت و جبروت را در تجلیات لاهوت



شود می‌تواند درجات تکوین را پیموده به قلب برسد (میرزایی و وکیلی ۱۳۹۳، ۱۳۴-۱۳۵).

عالم ملک یا طبیعت (ناسوت)

مکانمندی در عالم ملک، تجلی مکانمندی در عالم مثال است و در آن خصوصیات محسوس، آشکار است. این عالم در میان سایر مراتب، مشهود مرتبه بوده است؛ بنابراین ارزش غیبی مکان در آن، در ارتباط با سایر عوالم مافوق، تعیین می‌شود. بر اساس این اصل یکی از شروطی که مسجدهای مغیب محسوب می‌شود که بتواند مرتبه‌ی ناسوتی را با مراتب غیبی بالاتر متصل گرداند.

ورود معماری بر ساحت غیب

با فرض تقرر معماری در حوزه‌ی مشترک میان دانش‌های ناظر بر معرفت غیبی چون حکمت و عرفان، هدف معماری را به سوی توجه دادن به غیب و وصول بر آن می‌کند.

۱. ارتباط مراتب غیبی با نظام فکری انسانی

اعتقاد بر غیب، مجموعه‌ای نظام‌مند، متشکل از اجزا و عناصر مرتبط و هدفمند، با محوریت هسته مرکزی آن یعنی اتصال بر غیب، در عرصه‌های نظام بینشی، منشی و کنشی است (مطهری ۱۳۵۴؛ ۱۳۶۹؛ موسوی خمینی ۱۳۸۰؛ خامنه‌ای ۱۳۹۰؛ خسروپناه و دیگران ۱۳۹۷؛ صهبا ۱۳۹۷ که می‌تواند دارای زیر نظام‌های متعددی از جمله نظام‌های مختلف معرفت‌شناختی، خداشناختی، انسان‌شناختی، جهان‌شناختی، جامعه‌شناختی و غیره بر پایه‌ی غیب باشد. از مبانی، اصول، احکام و اهداف معماری در این مکتب با روش اجتهاد تخصصی، و در بستر فقه نظام اجتماعی به صورت مجموعه‌ای نظام مند و منسجم تفریع می‌گردد (نقره‌کار ۱۳۹۵ و ۱۳۹۳؛ حائری شیرازی ۱۳۹۶).

۲. ارتباط مراتب غیبی با معماری

مراحل غیبی حیات به‌هم‌پیوسته و بر اساس شناخت انسان‌ها نسبت به خداوند، تجلی می‌یابد (همدانی ۱۳۶۲؛ ادیب‌زاده ۱۳۸۱؛ رئیس سمیعی ۱۳۸۳؛ علی‌آبادی ۱۳۸۴؛ ضیائیان نوربخش ۱۳۸۶). متناسب با این مراتب معرفتی، احکامی برای نحو معماری به وجود می‌آید که در نهایت به مرتبه‌ی ذات غیبی خداوند معطوف می‌شود.

(۱۳۹۶، ۸۶).

با مبنا قرار دادن دیدگاه حکمت متعالیه بسیاری از مراتب غیبی انسان و هستی تجلی می‌یابد. در دیدگاه حکمت متعالیه، قوای انسانی با تنزیه و وضع محاذات بر تاثیر و تاجر قوا بر هم، در مسیر استكمال و اشتداد قرار می‌گیرند (شیرازی ۱۳۶۰، ۳۴۱)؛ و در هر مرحله با اتصال به قوای مرتبه‌ی غیبی‌تر، محرک قوه‌ی ظاهره می‌شود (شیرازی ۱۹۸۱، ۴۲۱-۴۲۰). قوای ظاهره در بستر تنزیهی، قدرت و شدت یابد و موجب مشاهده‌ی عالم غیب شود (خادمی و پوراکبر ۱۳۹۳، ۳۴۲-۳۴۱). در یک برداشت موجز از مراتب، عوالم دارای سه مرتبه‌ی کلی (تقدیر ۱۳۹۳) است:

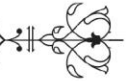
عالم جبروت (عالم عقول)

عالم جبروت، غیبی‌ترین مرتبه است و چون مخزن اشیایی است که از آن نازل می‌شوند؛ خزائن غیب خوانند (پارسانیا ۱۳۸۵، ۳۳). به اعتبار اینکه نقایص و کاستی‌های دیگر مراتب در آن جبران می‌شود؛ جبروت (بسیار جبران‌کننده) خوانده‌اند و جایگاه روح و محل تابش انوار متاثر از حس و خیال با معقولات متحد است (شیرازی ۱۳۵۴، ۱۲۹). وصل به این عالم، موجب ادراک معانی مجرد از نزدیک و به صورت صور عالم نازل در هیئت وجودی به تمامه مشاهده می‌گردد (جوادی آملی ۱۳۷۲، ۲۹۹-۳۰۰).

عالم مثال (خیال)

عالم مثال واسطه بین عالم حس و عالم عقول بوده؛ و از طرفی به لحاظ داشتن مقدار، شبیه جوهر جسمانی و از طرف دیگر، به دلیل نورانیت شبیه جوهر مجرد عقلانی است (ریاحی و واسعی ۱۳۸۸، ۲۸). این عالم دارای زمان و مکان و حرکت مشخص خود است؛ غیر از اجسام این عالم خاکی (اکبریان ۱۳۸۸، ۲۱)، علی‌رغم مادی نبودن قدر و اندازه دارند حکمای اسلامی عالم مثال را به دو قسم منفصل و متصل تقسیم کرده‌اند و آنها را خیال منفصل و خیال متصل نیز می‌نامند. بنابراین عالم مثال واسطه‌ی نزول از عالم معنی به عالم ماده و صعود از عالم ماده به عالم معنی است که به آن قوس صعود و نزول می‌گویند (ابراهیمی دینانی ۱۳۶۶، ۳۶۴) انسان به دیده‌ی خیال، صور مثالی و محسوس را درک می‌کند و هر قدر مرتبه‌ی انسان به غیب نزدیکتر و مرتبه‌ی ادراکی او شدیدتر می‌شود تا آنجا که می‌تواند در دیواری بهشت را تمثل کند؛ اگر خیال از حس تنزیه





اذعان بر عدم دسترسی به ذات غیبی خداوند و متجلی نمودن آن در معماری، آن معماری را برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها، جاودانه می‌سازد.

۳. تجلی غیب در معماری مساجد

از تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است می‌توان به مقاله‌ی «به سوی محراب و تقرب به لحظات ملکوتی» (رازجویان ۱۳۸۰) اشاره نمود. این پژوهش، مسجد را با شرایطی «پذیرای سازمان و تشکیلات و قواعد و اعتبارات مترتب بر نماز» معرفی می‌نماید و ایجاد «حضور قلب» را به عنوان شرط عمده‌ی به کارگیری ابزارهای معماری متجلی‌کننده‌ی غیب در مسجد، معرفی می‌داند که می‌تواند انسان را بر «حضور قلب» و «تقرب» برساند.

نقد و ارزیابی منابع پرداخته به غیب

نقیصه‌های پژوهش در مورد غیب و مکان غیبی مسجد، مربوط به ماهیت غیب است. با وجود در نظر گرفته شدن متغیرهای چندگانه در پژوهش، نقاط ضعف احساس می‌شود. دلیل آن به صورت اجمالی و کلی بیان می‌شود.

– به علت ماهیت کشفی، شهودی و تخیلی تئوری غیبی، توجیه منطقی-فلسفی آن کافی نیست. به لحاظ معرفت‌شناختی، اگر نتواند به اقناع افراد بپردازد مشکل‌ساز است و دارای مخالفان زیادی خواهد بود (روحانی ۱۳۹۴).

– بینش غیبی، ارتباط بسیاری با روان، فرهنگ و شخصیت افراد دارد؛ در عین حال که دارای چهارچوب اساسی متکی بر متون غیبی و حیانی است. به همین دلیل در مقایسه‌ی با اندیشه‌های مادی چون مدرنیسم (که کاملاً کلی‌نگر است و فرهنگ افراد در آن مطرح نمی‌شود) (مطهری بی‌تا)؛ و پست مدرنیسم (متکی بر خرده‌فرهنگ‌ها با نفی هرگونه کل‌نگری جهان‌بینانه) (مددیپور ۱۳۷۱)، نیاز به بررسی ویژگی‌های فرهنگی افراد نیز دارد.

– این موضوع سهل‌ممتنع بوده و وجوه بی‌زمانی و بی‌مکانی آن ممکن است این را القا کند که مراحل و دوره‌های ساخت مسجد در شرایط گوناگون به لحاظ اهمیت و نحوه‌ی ساخت، شرایط یکسان پیدا می‌کنند (روحانی ۱۳۹۴).

– با وجود اینکه معماری غیبی مانع از پذیرش کلیشه‌های تاریخی است؛ قوه‌ی برانگیزانندگی آن در جستجو برای آفرینش‌های بدیع

بوده؛ اعتبار و قابلیت اعتماد آن، اخلاص و انصاف مکتون در انسان‌هاست که امکان دارد از جانب مکاتب مادی، غیرعلمی پنداشته شود (مددیپور ۱۳۷۱).

– در صورت عدم وصول به غیب، به دلیل ماهیت شهودی و حضوری این رویکرد، به دیدگاه‌های کثرت‌مدار و آشناپنداره‌های وهمی، منجر می‌شود (خسروپناه ۱۳۹۰)؛ و بر همین اساس با روش تاویل‌گرانه‌ی صرف مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

با توجه به موارد مذکور بیان نحوه تجلی غیب در معماری، با چالش مواجه خواهد بود؛ می‌توان با رجوع به نظریات موجود در باب تجلی غیب، تحلیل میان‌رشته‌ای، استفاده از منابع فلسفی-عرفانی و اجتناب از روش تاویل‌گرایانه‌ی صرف کثرت‌مدار، به ارزیابی آن پرداخت. یافته‌های موجود در زمینه نقد و ارزیابی آن، قابل اکتفا نبوده است؛ و برای بررسی مبانی نظری مربوطه به نقد و ارزیابی از این دیدگاه نیز تلاش نمود؛ تا به بداعت و نوآوری در زمینه‌ی معماری مساجد، با رویکرد صحیح غیبی در مسیر تقرب دست یافت. بداعت معمارانه مربوط می‌شود به حوزه‌ی مشترک آن با معماری، با فرض این که معماری می‌تواند شرایطی ایجاد نماید تا غیب در مسجد تجلی پیدا کند؛ این نیاز به این دارد تا مفاهیم در پس آن معماری که به گفته‌ی بزرگان محمل غیب است؛ معلوم گردد. شاید دستیابی به آن دشوار باشد (هم معماری متصل به ماده است و هم برداشت‌های افراد کثرت‌مدار است). پس نیاز به ابزار شاهده‌ی وجود دارد که بر این برداشت‌ها صحنه‌گذار و از طرف دیگر نسبت به معماری مجردتر و دارای قابلیت دستیابی سهل به مراتب معنایی باشد. بنابراین سعی شده تا با متوجه نمودن به مفاهیم مثالی در عالم غیب، در بستر هنر مجرد شعری، نیز تطبیق آن با تاثیرات حضور در مجموعه فضای معماری به مفاهیمی مشترک آن دو حوزه دست یافت.

۴. مکاتب فکری در باب تجلی غیب در معماری

مکاتب فکری مهم موجود در باب تجلی غیب در معماری، به شرح زیر معرفی می‌شوند.

مکتب نظم غیبی

این مکتب بر این عقیده است که معماری دارای گوهری غیبی است



نور ۱۳۵۶، ج ۱، ۲۲۴-۲۳۵) موجب معرفت ناکاملی از غیب و نمادهای آن شده و آن نمادها به گونه‌ای بی‌اثر به کار گرفته می‌شوند. این نحوه‌ی مرادوت با غیب، با نوعی مادی‌گرایی پیوند خورده است که می‌توان آن را در آثار معماری معابد ماسونی و معانی آیین‌های پنهانی آن شده است.

با بررسی اجمالی، سعی گردیده از میان نظریات مختلف بر دو مکتب نظم غیبی و فطری تقرّب و از دو مکتب قشری و کثرت‌مدار تا حدی اجتناب ورزیده شود. بنابراین مفاهیم مستتر در اشعار، قابلیت استفاده در طراحی را با شرایط زیر دارد:

۱. مسجد نهادی غیبی است که غیب در آن با ایجاد شرایطی، قابلیت تجلی دارد.

۲. به صورت کانسپت سامان نیافته، کلیت طراحی و جزئیات را دارد.

۳. برای متوجه نمودن افراد بر غیب باید ابزارهای معماری در جهت فائق آمدن غیب بر ماده به کار رود.

۵. ارتباط شعر و معماری در مدل پارادایمیک فرآیندهای انسانی ۱۶ از اندیشه تا خلق آثار هنری نهاد غیبی مسجد می‌تواند افراد را بر مراتب غیبی متوجه نماید؛ به گونه‌ای که توسط ابزارهای معماری، الگویی ایجاد نماید تا غیب را به عنوان پدیده‌ای نا آشنا و مبهم، تبدیل به فرآیندی از باورهای رفتارمند (رازجویان ۱۳۹۸) و چارچوبی «بدیهی» و آشنا به ذهن گرداند. در نتیجه‌ی این فرآیند، تصدیق غیب و اعتقاد به اندیشه‌ی غیبی و تصدیق آن در دل افراد، همه‌ی پدیده‌های مربوط به انسان را وجوهی غیبی می‌بخشد و انگیزه‌های درونی را بر اساس ایمان به غیب شکل می‌دهد و منجر به خلق آثاری می‌شود که در درجه‌ی اول بر خود معمار و در مرتبه‌ی بعدی بر افراد تاثیراتی دارد.

بر اساس این نمودار، در حوزه‌ی مشترک طراحی معماری و سرایش شعری، محتوای غیبی، همان افکار، نیت معمار یا شاعر (نقره‌کار ۱۳۹۳، ۹۱) است که باعث می‌شود اثر هنری، تاثیر عروجی یا هبوطی داشته باشد. در این حوزه، روایتگری خیالی «دست‌مایه‌های شاعرانه» می‌گردد تا به بیان مفاهیم بنیادین پردازد و چون روان را برمی‌انگیزد؛ منجر به هماهنگی با زندگی فکری و معنوی مکانی می‌شود که برای آن طراحی می‌شود (آنتونیادس ۱۳۹۱، ۱۸۳-۱۸۸). با اتکای بر این مطلب، با جستجوی در اشعار لسان الغیب، به بررسی حیات غیبی مستتر در «حال و هوای فضایی» و «جوهره» کلی عناصر معماری مسجد جامع اصفهان پرداخته می‌شود.

که راه را نشان می‌دهد. گوهر غیبی انسان‌ها را به مرتبت غیبی خود آگاه نموده و انگیزه‌ی ارتقای مراتب را در افراد ایجاد می‌نماید؛ به همین دلیل در نظر آنان معمار باید مانند خداوند بسازد (رازوی ۱۳۵۳، ۱۲۴؛ رینولدز ۱۱ ۲۰۰۶؛ کیوناپو ۱۲ ۲۰۱۳؛ وثیق ۱۳۹۲). وجوه برگرفته از «ساختن غیبی» از «بالا» مراتب غیبی باطنی شروع می‌شود و بنا بر ساختار سلسله‌مراتب غیبی با عنوان «نظم هست» خود را نشان می‌دهد. این نظم که در طبیعت و حتی در طبیعت انسانی وجود دارد؛ در ظاهر نیز به تجلی در می‌آید. عباراتی چون «پیش‌فرم ۱۳»، و «آرزوی وجودی»، «کاشانه‌ی الهام‌ها»، «سکوت (ظلمت)»، نظم درونی غیبی، بیانگر این اندیشه‌ی این مکتب است.

۱. معماری ایجادکننده‌ی نهادهای انسانی است.

۲. نهادهای انسانی از «مبدئی غیبی» سرچشمه می‌گیرند.

۳. فرم‌های معماری با ارائه‌ی اعراض فضایی، آن مبدأ غیبی را متجلی می‌سازند.

مکتب فطرت به مثابه غیب

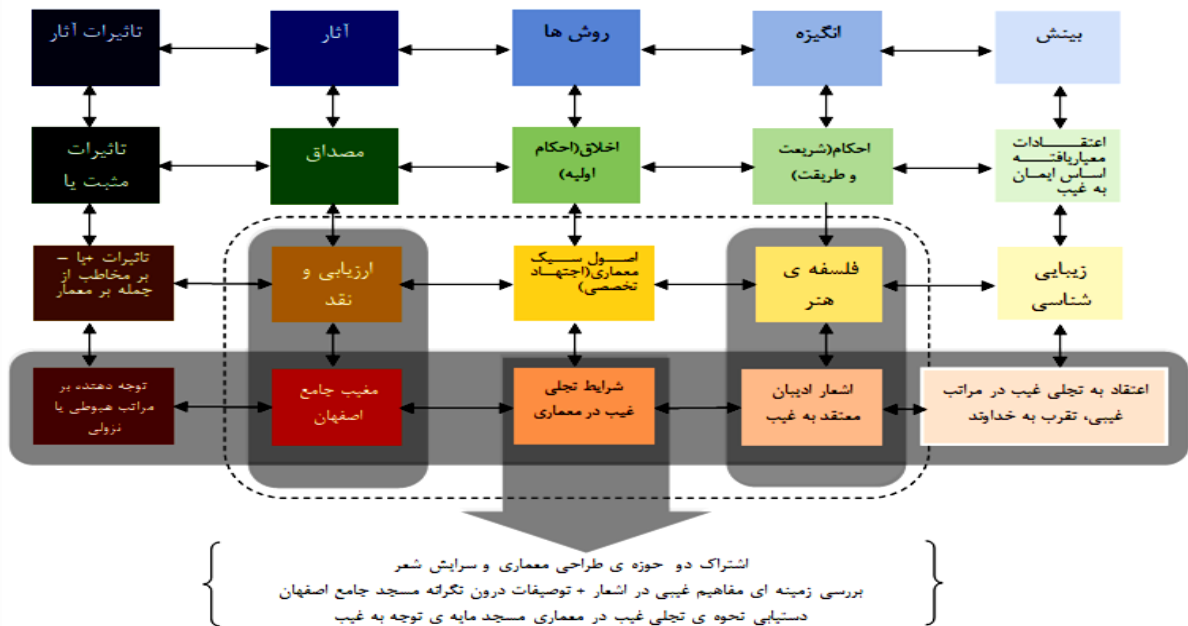
شاهدان غیب، با صفت خلاقیت و هندسه دانی، به رمزگشایی و دستیابی به جوهره‌ی مستور معماری می‌پردازند (ادیب‌زاده ۱۳۸۱؛ ۱۳۹۴؛ ۱۳۸۷؛ ادیب‌زاده و رازجویان ۱۳۹۲). نگرشی بر اساس بر مرام فطری انسان و جماعات انسانی که از منابع غیبی یعنی منابع دینی و بالخصوص قرآن و نهج البلاغه و کتب حدیث بهره می‌برد تا براساس فطرت پاک انسانی، خطاناپذیر و رهگشا باشد.

مکتب غیبی کثرت‌مدار

این مکتب با رجوع به سنن عرفانی شرقی، از درجات تحقق غیب، روایاتی کثرت‌مدار و تاویل‌گرایانه ارائه می‌دهد که در همه‌ی مناسبات انسانی، من جمله در معماری نمود پیدا می‌کند (نصر ۱۳۸۱؛ نصر ۱۴ ۲۰۰۲). برای مثال در معماری این رویکرد با وجود این که از شکل فراتر می‌رود؛ ولی در ساختار فضایی متکی بر تداوم فضایی و در ارتباط با زمان و در بافتی از صور، پرداخت میان «آنچه گذرا و فانی است» رخ می‌دهد (اردلان و بختیار ۱۳۸۰)

مکتب غیبی قشری

دریافت ناقص از غیب (واسرمن ۱۵ ۲۰۰۸؛ نرم‌افزار صحیفه



شکل ۵. نمودار ارتباط برداشت‌های شعری و مفاهیم غیبی مستتر در معماری با استفاده از مدل پارادایمیک فرآیندهای انسانی (مأخذ: باقری ۱۳۸۵؛ نقره کار ۱۳۹۸)

با عنایت جزئی به عبارات غیبی اشعار حافظ و مولوی - برآمده از بخش زمینه‌ای کار - به توضیحات درون‌نگرانه پیمایش مکان-زمانی مسجد جامع اصفهان، پرداخته شد. موارد یافته شده از این مقایسه تطبیقی در زیر تجزیه و تحلیل می‌گردد تا به رمزگشایی از مفاهیم غیبی اشعار و هم‌نهشتی مکان-زمان مسجد جامع اصفهان پرداخته شود. با بررسی هم‌نهشتی‌های زمان-مکان معماری مساجد جامع اصفهان و مقایسه‌ی آن با مفاهیم پنهان در عبارات غیبی اشعار، تا حدی، با هدف بکارگیری آنها در طراحی، به رمزگشایی آنها پرداخت که نتیجه‌ی آن به صورت زیر است:

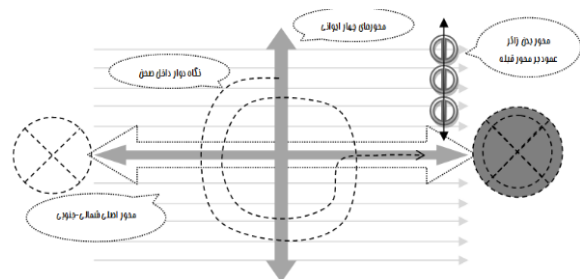
مفهوم بیرون کردن نعلین، رهایی از خودخواهی و نفس‌پرستی، بی‌تعلقی شاهد را در قالب بی‌تعلقی مشهد در بافت پیوسته‌ی شهر نشان داده می‌شود.

آغاز سفر انفسی با پوشیدن خرقه‌ای می‌آلود بر قالب، با کنار گذاشتن نفاق و در صحن بسیط پس از بی‌تعلقی و بی‌مرزی، مشهود دارنده‌ی محور غیبی جنوبی و سرچشمه‌ی جریان نزول برکات است.

انشای هندسه‌ی درون با ایجاد وقفه‌ی سفر روحانی و ورود به ملا غیبی، شکسته شدن خلا وسیع صحن، با تغییرات ارتفاعی چهار ایوان ناهمسان و ضرباهنگ قبض و بسط ایوانچه‌ها، هم محور رو به درون

۶. توصیفات درون‌نگرانه در معماری مسجد جامع اصفهان

بر اساس فرضیات در نظر گرفته شده، جهت ایجاد ارزش‌های غیبی در معماری مسجد، از تئوری هنجاری استفاده گردیده تا روایات دارای هوده، بر اساس کانسبت «تجلی غیب در معماری مسجد» در نمونه‌ی مسجد جامع اصفهان، شکل گیرد و این تا مرحله‌ی اشباع و اقتناع و شکل‌گیری روایات به صورت یک «گل» پیش می‌رود. این سناریوی کلی به دو صورت «سفر صغیر آفاقی» از بیرون تا درآیگاه مسجد و «سفر کبیر انفسی» از درآیگاه تا محراب به همدیگر تبدیل می‌شود.



شکل ۷. نظام دوگانه‌ی محوربندی در ترکیب کلی فضای مسجد (مأخذ: نگارندگان)

دورترین مکان از محراب جنوبی، نشانگر طریقت وصول غیب بی‌مکان است که با هم‌نواپی طبیعت در افتقار و توسل درویشانه به ساخت غیب، ایجاد شده است.

مفهوم طایر چالاک در گنبد شمالی غرفه‌ای با هورنوی پنج ضلعی و در مرکزیت کتیبه‌هایی اشاره‌گر بر آفرینش جهان، ایجاد شده که توازی میان فرمانروایی روی زمین و آفرینش ملکوتی را به همراه میثاق غیبی میان امر و امیر مستدل می‌کند.

اوج معماری غیبی مسجد جامع اصفهان در تبدیل معماری ایوان غربی به اشارتگاه اهل نظر است که می‌توان آن را می‌توان در منقش نمودن حدیث باب علم در جای به جای دیوارهایی ورود به شبستان صفوی دید.

مفهوم مگدکه را می‌توان در در قبه‌ها با ضرباهنگ شبستانی در تداوم جریان نزول غیب در هر زائر باهر مرتبه‌ای از اعتقاد به غیب دید. هر قبه، مگدکه وار، نور خورشید را در تمثیل نور هدایت و تعقل، به شهود می‌رساند.

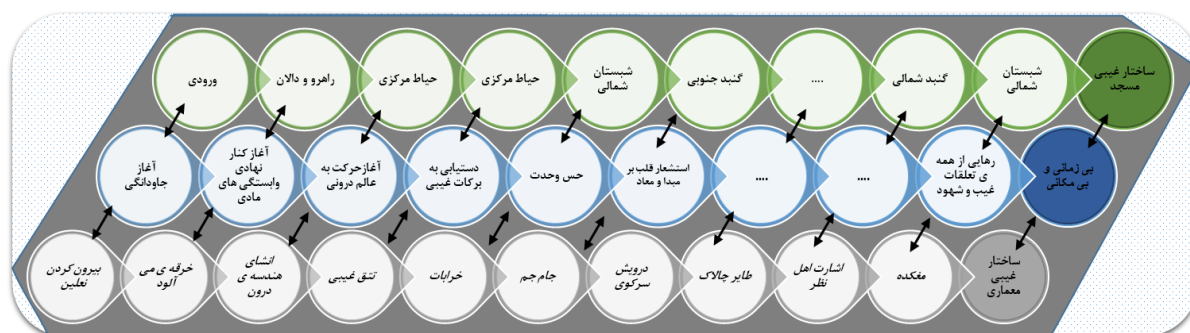
هسته‌ی مرکزی شکل می‌گیرد.

هر ایوان به‌مثابه تتقی غیبی در بردارنده‌ی صفه‌ای با نیم‌گنبد مرتفع بر روی آن، کیهان نگاشتی از حرمت‌آمیزترین برکات غیبی (مانند بعث، نزول معجزات، تجلی خداوند و غیره) است که ورود به ساخت اعتلائی عنایات غیبی صفه‌ی جنوبی را شکل می‌دهد.

گنبدخانه به‌مثابه خرابات محملی برای جمع شدن انسان‌ها و وصول به تحولات درونی میثاق خورده با خداوند، ایجاد می‌کند تا تجسم طیف وسیعی از پیام‌های غیب را بر تکیه‌گاه فوقانی گنبد، متجلی کند.

مفهوم جام جم قلب مُدرک مبدا و معاد و ایجادکننده‌ی ساز و کار استحالته‌ی شئون مشهد به مغیب است که قدرت آفرینندگی آن در سایه‌ی تشبه به اله، نتیجه رسوخ ایمان به غیب در دل و اوج تسلیم در برابر منشأ غیب است. این مفهوم در جماعت خانه‌ی گنبد مقصوره، بر روی محور شمالی-جنوبی آفریده شده است.

مفهوم درویش سر کوی در نحو استقرار خاص صفه درویش، در



شکل ۸. مفاهیم غیبی در اشعار لسان‌الغیب که کاربرد آنها باعث القای غیب در معماری می‌گردد (مأخذ: نگارندگان)

۷. نتیجه‌گیری

رفتار آدمی، بستر زمان-مکان مسجد را می‌طلبد. مسجد جامع اصفهان از نمونه‌های مغیب است که در بیان بسیاری، معمار آن در تمنای شهود و تصدیق غیب و طلب امداد از آن بوده است. نحوه‌ی تفکر معمار آن، در مورد غیب و دستیابی به مفاهیم غیبی متجلی در مسجد را می‌توان در هنرهای مجردتر آن دوره چون ادبیات، نزد افرادی که به غیب اعتقاد دارند؛ چون لسان‌الغیب یافت. وساطت زبان شعر غیبی برای دستیابی به مفاهیم مستتر در معماری مغیب مسجد جامع اصفهان را می‌توان در قالب مفاهیمی چون بیرون گردن نعلین، خرقه‌ی می‌آلود، انشای هندسه‌ی درون، تتقی غیبی، خرابات، جام جم، درویش سرکوی، طایر چالاک، اشارتگاه اهل نظر یافت.

معماری نمودن بر اساس مفاهیم غیبی و سرایش اشعار غیبی هر دو مایه‌ی دریافت نوین و ژرفی از جهان خویش هستند که در دریافت‌های غیبی، خود را به سرچشمه‌های خرد فعال نزدیک ساخته و شناخت حقیقی آدمی را در پهنه‌ی آفرینش، به مکنونات خداوندی رهنمون می‌گردند. با آگاهی یافتن انسان بر غیب مطلق، صور حقیقت را که در آینه‌ی خلق تجلی نموده در درون خود، می‌یابد. با اتکای بر دریافت درونی حق، تعهدی باطنی بر رنگ غیبی زدن بر همه عالم می‌یابد. این تعهد غیبی در معماری به صورت محمل رفتار غیبی قرار دادن زمان-مکان شکل می‌گیرد. نماز به‌عنوان غیبی‌ترین



- بررسی تطبیقی اندیشه‌ی غیب دارای قابلیت تجلی در معماری سایر مکاتب و وجه تمایز با آنها و میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری آنها
- بررسی رابطه‌ی عبادت انسان کامل با خداوند که دارای بیشترین ظرفیت ارتباط با غیب و می‌تواند بیشترین ظرفیت باطنی مکان را در مجالی غیبی شدن نشان دهد.
- مفهوم مسجد در احادیث و آیات با ابتدای بر این که در کدام مکان، غیب بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ مثال خانه‌ی کعبه برای پذیرش توبه و سیر از زمین تا ماوراء (تجلی غیب دلیلی بر وجود غیب، و عدم تجلی).
- بررسی مسجد به‌عنوان مکان تجلی غیب از دیدگاه فقهی

پی‌نوشت‌ها

1. Akkach
2. Gouling
3. Dilworth
۴. ایجاد روند منطقی تئوری این پژوهش بر اساس کتاب‌های «آغازی بر شکل‌گیری تئوری» (رینولدز/ Reynolds ۱۹۷۱)، و «مبانی نظریه‌ی کیفی: تئوری زمینه‌ای» (کوربین/ Corbin و استرایوس/ Strauss ۱۹۹۸)، «راهنمای مرجع روش تحقیق» (آلوک/ Alok و میشر/ Mishra ۲۰۱۹)، و «منطق سال سوم دبیرستان» (عالمی ۱۳۹۳)، صورت می‌گیرد. در پرداختن به ارزش‌های غیبی مسجد، از تئوری‌های هنجاری استفاده می‌شود و تا مرحله‌ی اشباع و اقناع پیش می‌رود.
۵. تجربیات وسیع و مهم معماری مسجد در سلسله‌مراتبی از تحلیل‌های تجربه‌ی مدرکات مادی مثالی و تجربیات روحانی قرار گرفت (شواپتزگبل/ Schwitzgebel ۲۰۰۸، ۲۶۰؛ اریکسون/ Ericson و سیمون/ Simon ۱۹۹۸، ۱۸۲).
۶. از منظر اسلامی، در میان استدلال‌های سه‌گانه (تمثیل، قیاس و استقرا) تنها قیاس و آن هم نوع خاصی از آن -تحت عنوان برهان یا قیاس برهانی علمی شود (جوادی آملی ۱۳۸۹، ۱۴۵؛ پارسانیا ۱۳۹۰، ۸۷)؛ می‌تواند منجر به معرفت قطعی شود و قضایای تجربی که مبتنی بر استقرا و تمثیل هستند؛ نمی‌توانند به تنهایی منجر به تولید معرفت علمی شوند.
7. positive & normative
۸. خداوند جاودانه است پس باید جاودانه و برای همه‌ی زمان‌ها ساخت و یا آن قدری درست و منطقی بسازد که تا کنون کسی نساخته باشد؛ زیرا خداوند یونیک و یگانه است. زیبایی الهی باشد نه انسانی باشد زیرا محدود می‌شود؛ بلکه باید وجدآور و در عین حال حاوی نوعی حزن خوشایند باشد.

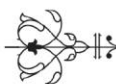
مسجد جامع اصفهان، نمونه‌ی زنده‌کننده‌ی دانایی معماران آن عصر در نحوه‌ی وصول به عالم غیب و تجلی شئون غیبی در معماری مسجد، در مراتب مختلف طراحی از جمله کانسپت‌های سامان‌نیافته، کلیت طراحی و جزئیات آن است.

با ورود به تئوری «تجلی غیب در معماری مساجد»، تقرب مکان عامل تقرب به خداوند برای عوام در نظر گرفته شده؛ در حالی که خواص از حس مکان رها شده‌اند. برای افراد درگیر خیال متصل به عالم ملک و حواس مادی، این تئوری می‌تواند مدلی تجمیع‌کننده و وحدت‌بخش از شیوه طراحی مساجد باشد. مرتبط پنداشتن هنرهای مجردتر با معماری، می‌تواند معانی متجلی در مسجد را تعالی داده و موجب توجه انسان‌ها به مراتب غیبی گردد. استفاده از آن در معماری، به همراه تأمل در نقدهای صورت گرفته و نیز به اجماع رسیدن افراد متخصص مرتبط با امر مسجدسازی، بر روی این مفاهیم، آن را عقلانی و منطقی می‌نماید. در خلال نقد و ارزیابی این تئوری، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه «با ایجاد شرایط خاص در معماری، غیب می‌تواند در مسجد تجلی یابد» به اقناع رسیده و در مقام پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که «چه شرایطی می‌تواند موجب تجلی غیب در معماری مسجد باشد»؛ تاحدی توفیق یافته است با اذعان این نکته که شرط اصلی تجلی غیب در معماری مسجد، در کنش میان ماده و غیب، فائق آمدن غیب بر ماده است تا محرک حرکت آفاقی افراد در درون گردد. از آنچه گذشت می‌توان دریافت که معماری غیبی و مغیب‌سازی برای پاسخگویی مناسب به نیاز کاربر، نیاز به قرارگیری او در جریان حرکتی مداوم از عمق باورها به سطح صور طراحی شده و برعکس دارد به همراه لحاظ نمودن تفاوت‌های فردی. امید است این نوع انسان‌محوری بر مبنای ایمان به غیب در پژوهش‌های آینده طراحی مسجد بتواند محیط مناسبی را برای ایجاد تفکری غیبی ایجاد نموده و زمینه‌ساز تحقق رفتار غیبی نماز و تقرب به درگاه گردد.

مواردی که برای بررسی‌های آینده در مطالعه‌ی ساختار غیبی مسجد، پیشنهاد می‌گردد؛ شامل:

- بررسی انگیزه‌ی غیبی و انطباق آن با عقل در برابر نفسانیت
- استعداد مغیب‌سازی ریشه در ذوق فهمی-معارفی نیز ذوق هنری معمار به‌عنوان انسان شاهد غیب.
- تحلیل مصادیق مغیبات در تاثیرگذاری یا متاثر شدن از نمونه‌های دیگر، همراه نظر و یا پیشنهاد





۱۶. دانش و بینش غیبی، موجب شناخت حقیقت خویشتن، پدیده‌ها و مخاطبین شده، مسیر تکاملی خود را آغاز می‌نماید (نقره‌کار ۱۳۹۳، ۹۱): انگیزه و نیت هنرمند، همراه با تزکیه و تربیت غیبی هنرمند بوده و بر اراده آگاهانه و اختیاری منجر به بی‌نهایت مثبت، مبتنی بر نفس عقلائی و روح الهی آنها باشد (نقره‌کار ۱۳۹۵، ۱۸۸). در روش‌ها و شیوه‌های عملی، هنرمند با اتکای به میزان استعداد فاعل و میزان آموزش و تجربه، در شرایط زمانی و مکانی با اتخاذ شیوه‌های عملی در خلق آثار هنری، در حوزه آزادی و اختیار به تجلی ایده‌های درونی می‌پردازد (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۱۱۳).

این معرفت را می‌توان در جای جای بنای مسجد شیخ لطف‌الله دید (روحانی ۱۳۹۴)

9. Pre-form

۱۰. نفی کثرت از وجود، در حکمت متعالیه، ادله‌ی فلسفی بر آن ارائه می‌دهد.

11. Reynolds

12. Künnapu

۱۳. ملاصدرا در فهم چگونگی نزول غیب و تجلی، چهار مبنای مهم اصالت وجود، تشکیک وجود، علیت و رجوع علیت به تشان را توضیح می‌دهد (خلیلی ۱۳۹۰، ۱۰۰).

14. Nasr

15. Wasserman

منابع

۱. آنتونیادس، آتونی سی. ۱۳۹۱. *بوطیقای معماری آفرینش در معماری*، جلد اول: راهبردهای نامحسوس به سوی خلاقیت معماری. تهران: سروش.
۲. ابوالقاسمی، شهنام، بهمن اکبری، حسن توزنده جانی، و یونس باقری. ۱۳۸۸. *فرهنگ تخصصی روانشناسی، روانپزشکی و علوم تربیتی*. تهران: آرویح.
۳. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. ۱۳۶۶. *شعاع اندیشه و شهود در فلسفه‌ی سهروردی*. تهران: حکمت.
۴. اتینگهاوزن، ریچارد، و الگ گرابار. ۱۳۹۱. *هنر و معماری اسلامی*. ترجمه‌ی یعقوب آژند. تهران: مولی.
۵. احمدی، احمد، و محمد رصافی. بی تا. اصالت وجود و نام‌گرایی در نظام فلسفی صدرایی. *پژوهش‌های فلسفی - کلامی دانشگاه قم* (۵۳): ۵-۲۵.
۶. ادیب‌زاده، بهمن. ۱۳۹۴. *جزوه پارادایم‌اندیشیدن و ملاحظات اصولی برای تصمیم‌گیری و طراحی برگرفته از متون اسلامی*. تهران: چاپ نشده.
۷. _____، و محمود رازجویان. ۱۳۹۲. *طرح پژوهشی کلان ملی «مطالعات، بررسی و تدوین معیارهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری اسلامی ایرانی»*. تهران: شورای عالی علوم، تحقیقات و فن‌آوری - همکار مجری، دانشگاه شهید بهشتی.
۸. _____ . ۱۳۸۷. *معماری ادیان، نگرش توحیدی*. صفحه ۱۷ (۴۶): ۱۰۴-۱۱۴.
۹. _____ . ۱۳۸۱. *راه کریمان: معمار حرم (پژوهشی پیرامون تربیت فطری معماران)*. پایان‌نامه دکتری معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری شهرسازی.
۱۰. اردلان، نادر، و لاله بختیار. ۱۳۸۰. *حس و حلت*. ترجمه‌ی وحید شاهرخ. اصفهان: خاک.
۱۱. اکبریان، رضا. ۱۳۸۸. *قوه‌ی خیال و عالم صور خیالی. آموزه‌های فلسفه‌ی اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی* (۸): ۳-۳۲.
۱۲. باقری، خسرو. ۱۳۸۵/۱۲/۲۳. *نظریه به کرسی نشسته‌ی «علم دینی تجربی»*. تهران: آیین‌نامه هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی.
۱۳. برزگر، اکبر. ۱۳۸۶. *راهنمای معماری مسجد*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۴. بیدهندی، محمد. ۱۳۸۳. *بررسی و تحلیل نسبت «انسان» با «عالم» در فلسفه ملاصدرا. فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز* (۱۱): ۱-۱۴.
۱۵. بلخاری قهی، حسن. ۱۳۸۸. *سرگذشت هنر در تمدن اسلامی*. تهران: سوره‌ی مهر.
۱۶. پارسانی، حمید. ۱۳۹۰. *روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*. قم: کتاب فردا.
۱۷. _____ . ۱۳۸۵. *هستی و هبوط انسان در اسلام*. قم: معارف.
۱۸. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۳. *پایان‌نامه دکتری معماری ساختار فرآیند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس حکمت متعالیه*. به راهنمایی عبدالحمید نقره‌کار و فرهنگ مظفر. تهران: دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت.

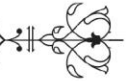


۱۹. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹. معرفت‌شناسی در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
۲۰. _____ . ۱۳۷۲. شناخت‌شناسی در قرآن. تهران: رجاء.
۲۱. حائری شیرازی، محمدصادق. ۱۳۹۶. تفکر. تدوین شده توسط سجاد محمدی و راضیه حقیقت. تهران: معارف.
۲۲. خادمی، عین‌الله، عبدالله صلواتی، لیلا پوراکبر، و مروه دولت‌آبادی. ۱۳۹۷. مواجهه فلسفی و عرفانی ملاصدرا با مسئله مرگ. حکمت معاصر ۹ (۱): ۴۷-۶۲.
۲۳. خادمی، عین‌الله، و لیلا پوراکبر. ۱۳۹۳. علم انسان کامل از دیدگاه ملاصدرا. فصلنامه اندیشه دینی شیراز ۱۴ (۳): ۱۰۳-۱۳۸.
۲۴. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۲. طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن. تدوین توسط صهبا. تهران: موسسه‌ی ایمان جهادی.
۲۵. خسروپناه، عبدالحسین، و جمعی از محققان. ۱۳۹۷. منظومه‌ی فکری امام خمینی (ع). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۶. _____ . ۱۳۹۰. تبیین و تحلیل علم قدسی در سنت‌گرایی دکتر سید حسین نصر. روش‌شناسی علوم انسانی ۱۷ (۶۷): ۳۳-۷.
۲۷. خلیلی، مقدسه. ۱۳۹۰. رابطه انسان و خدا در حکمت متعالیه. فصلنامه آیین حکمت (۸-۹): ۹۹-۱۳۵.
۲۸. داوری اردکانی، رضا. ۱۳۸۰. ملاصدرا و هم‌زمانی با فلسفه جدید. خردنامه صدر (۲۴): ۷-۵.
۲۹. دین محمدی، علی، و حسین آریان. ۱۳۹۱. عالم مثال (خیال) در عرفان اسلامی. فصلنامه تخصصی عرفان اسلامی ۹ (۳۴): ۲۱۸-۲۴۱.
۳۰. رازجویان، محمود. ۱۳۹۸. یادداشت‌های اندیشه‌گاه: کدهای برداشتی از صحبت‌های ارائه شده در مورد تجلی غیب در معماری. تدوین شده توسط فاطمه جلیل‌زاده محمدی. تهران: چاپ نشده.
۳۱. _____ . ۱۳۸۰. به سوی محراب و تقرب به لحظات ملکوتی. صفه (۳۲): ۱۱۸-۱۳۱.
۳۲. ربیعی، هادی. ۱۳۹۳. جستارهایی در چیستی هنر اسلامی. تهران: فرهنگستان هنر.
۳۳. روحانی، علی. ۱۳۹۴. یادداشت‌های اندیشه‌گاه: کدهای برداشتی از صحبت‌های ارائه شده در مورد غیب در معماری مسجد. تدوین توسط فاطمه جلیل‌زاده محمدی. تهران: چاپ نشده.
۳۴. ریاحی، علی‌ارشد، و صفیه واسعی. ۱۳۸۸. عالم مثال از نظر ملاصدرا. اندیشه‌ی دینی ۹ (۳۰): ۷۵-۱۰۲.
۳۵. رئیس سمیعی، محمدمهدی. ۱۳۸۳. نظریه‌ی مراتب وجود، تاویل آن در معماری. پایان‌نامه‌ی دکتری معماری. به راهنمایی هادی ندیمی. تهران: دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده معماری شهرسازی.
۳۶. رئیسی، محمد منان. ۱۳۹۶. معناشناسی متن معماری با استناد به آموزه‌های اسلامی. فصلنامه الهیات هنر (۶): ۵۳-۸۷.
۳۷. سوزنجی، حسین. ۱۳۸۳. وحدت وجود در حکمت متعالیه بررسی تاریخی معناشناختی. نامه‌ی حکمت (۴): ۱۳۳-۱۶۷.
۳۸. شنکایی، مرضیه. ۱۳۸۸. بررسی تطبیقی اسما‌ی الهی. سروش: تهران.
۳۹. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم. ۱۹۹۰. الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة. جلد ۶ و ۹ جلد. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. _____ . ۱۳۶۳. مفاتیح الغیب. تدوین شده توسط محمد خواجوی. تهران: موسسه تحقیقات فرهنگی.
۴۱. _____ . ۱۳۶۰. الشواهد الربوبیة. تدوین توسط سید جلال الدین آشتیانی. مشهد: مرکز الجامعی.
۴۲. _____ . ۱۳۶۰. اسرار الآیات. تدوین توسط محمد خواجوی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۴۳. _____ . ۱۳۵۴. المبدأ و المعاد. تدوین توسط سید جلال الدین آشتیانی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ی ایران.
۴۴. ضیائی‌ان نوربخش، سیدحمید. ۱۳۸۶. ذکر (مدخلی بر معماری فطری). پایان‌نامه‌ی دکتری معماری. به راهنمایی هادی ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.



۴۵. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۸۸. کتاب رسائل توحیدی (توحید ذاتی، اسماء حسنی، افعال الهی، وسائط فیض میان خدا و عالم مادی). تدوین شده توسط هادی خسروشاهی. ترجمه‌ی علی شیروانی. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۴۶. عالمی، روح‌الله. ۱۳۹۳. منطلق سال سوم دبیرستان رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی-علوم و معارف اسلامی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۴۷. علی‌آبادی، محمد. ۱۳۸۴. تشبیه-تنزیه در آیین‌ها طرح و تبیین روشی حاصل از تشبیه و تنزیه در معرفت معماری. پایان‌نامه دکتری معماری. به راهنمایی هادی ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.
۴۸. عروتنی موفق، اکبر. ۱۳۹۵. مبانی هستی‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ع). پژوهشنامه‌ی انقلاب اسلامی (۲۱): ۵۱-۶۷.
۴۹. عسکرزاده مزرعه، اکرم، و سید علی علم‌الهدی. ۱۳۹۵. مسئله‌ی فهم در معرفت‌شناسی ملاصدرا و نظریه‌ی فضیلت محور زاگزیسکی. حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۷ (۳): ۱۵-۳۷.
۵۰. کاویانی، محمد. ۱۳۹۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵۱. گروت، لیندا، و دیوید وانگ. ۱۳۸۶. روش‌های تحقیق در معماری. با ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵۲. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳. بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار، ۱۱۰ جلد. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۳. مددپور، محمد. ۱۳۸۸. آشنایی با آرای متفکران درباره هنر: هنر و زیبایی در نظر متفکران جدید: مدرن و پست مدرن. تهران: سوره.
۵۴. _____ . ۱۳۷۱. حکمت انسی و زیبایی شناسی عرفانی هنر غیبی. تهران: سوره ی مهر.
۵۵. مرکز اطلاع‌رسانی غدیر. ۱۳۵۶. نرم‌افزار به سوی نور (صحیفه‌ی نور امام خمینی)، جلد ۱. تهران.
۵۶. مطهری، مرتضی. بی‌تا. جهان‌بینی مادی و جهان‌بینی الهی. قم: صدرا.
۵۷. _____ . ۱۳۶۹. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی-انسان و ایمان. تهران: صدرا.
۵۸. _____ . ۱۳۵۴. امدادهای غیبی. تهران: صدرا.
۵۹. موسوی خمینی، سید روح‌الله. ۱۳۸۰. آداب الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶۰. میرزایی، سمنبر، و هادی وکیلی. ۱۳۹۳. خیال و مثال در اندیشه‌ی ابن عربی و ملاصدرا. حکمت معاصر ۵ (۱): ۱۳۳-۱۶۰.
۶۱. نصر، سید حسین. ۱۳۸۱. معرفت و امر قدسی. ترجمه‌ی فرزاد حاجی میرزایی. تهران: پژوهش فرزاد روز.
۶۲. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۸. یادداشت‌هایی از سخنانی پیرامون جایگاه اندیشه‌ی غیبی در ساختار فرآیندهای انسانی از اندیشه تا عمل. تدوین توسط فاطمه جلیل‌زاده محمدی. تهران: چاپ نشده.
۶۳. _____، فرهنگ مظفر، و سمانه تقدیر. ۱۳۹۶. تناظر انسان و هستی در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در معماری اسلامی. آرمانشهر ۱۰ (۱۹): ۹۳-۷۹.
۶۴. _____ . ۱۳۹۵. نسبت اسلام با فرایندهای انسانی فرانظریه سلام. پژوهش‌های معماری اسلامی ۴ (۱۲): ۴-۲۷.
۶۵. _____ . ۱۳۹۳. مجموعه جزوات و فایل‌های الکترونیکی ارائه شده در کلاس‌های مقطع دکتری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۶۶. _____ . ۱۳۸۷. نسبت مکتب اسلام با فلسفه هنر و زیبایی. نشریه بین‌المللی مهندسی معماری و شهرسازی ۱۹ (۶): ۱۱۱-۱۲۲.
۶۷. وثیق، بهزاد. ۱۳۹۲. چهارچوب اصول معماری خانه با توجه به مفاهیم قرآنی. پایان‌نامه‌ی دکتری معماری. به راهنمایی محمدرضا بمانیان. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.





۶۸. هیلن‌برند، روبرت. ۱۳۸۰. *معماری اسلامی*. ترجمه‌ی آیت‌الله زاده شیرازی. تهران: روزنه.

۶۹. همدانی، یوسف بن ایوب. ۱۳۶۲. *رتبه‌الحیات*. تهران: توس

References

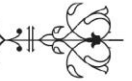
1. Abolghasemi, Shahnam, Bahman Akbari, Hasan Tozadeh Jani, and Younes Bagheri. 2009. *Specialized Culture of Psychology, Psychiatry and Educational Sciences*. Tehran: Arwiz.
2. Adibzadeh, Bahman, and Mahmoud Razjouyan. 2013. *National Research Project Study, Elaboration of Criteria for Planning and Designing the Islamic City of Iran*. Tehran: Supreme Council for Science, Research and Technology, Associate Member.
3. Adibzadeh, Bahman. 2015. *The Booklet of the Paradigm of Thinking and the Principled Considerations for Decision Making and Design Derived from Islamic Texts*. Tehran: Unpublished.
4. 2002. *The Benevolents' Way: The Architect of the Haram (A Research on the Fitri Education of Architects)*. Ph.D. Thesis in Architecture. Tehran: Shahid Beheshti University, Faculty of architecture and Urbanism.
5. 2008. Architecture of Religions. *Monotheistic Attitude* 17 (46): 104-114.
6. Ahmadi, Ahmad, and Mohammad Rassafi. Without History. The Authenticity of Existentialism in the Philosophical System of Sadra. *Quarterly Journal of Philosophical and Theological Researches of Qom University* (53): 5-25.
7. Akbarian, Reza. 2009. Imagination Power and World's Imaginary form. *Teachings of Razavi Islamic University* 32 (8): 3-32.
8. Alami, Rohallah. 2014. *Logic, the Third Year of High School in the Field of Literature and Humanities, Science and Education*. Tehran: Iran Printing & Publishing Company.
9. AliAbadi, Mohammad. 2012. The Position of Reason in the Concept of Sustainable City, another Look at the Theoretical Foundations of Islamic Architecture and Urban Planning. *Architecture Studies* 1 (1): 25-38.
10. Anthoniadis, Anthony C. 2012. *Poetics of Architecture*. Translated by AhmadReza Ai. Tehran: Soroush.
11. Ardalan, Nader, and Laleh Bakhtiar. 2001. *Sense of unity*. Translated by Vahid Shahrokh. Isfahan: Khak.
12. Askarzadeh Mazra'eh, Akram, and Seyyed Ali Alam al-Huda. 2016. (Contemporary Wisdom (Institute of Humanities and Cultural Studies) 7 (3):15-37.
13. Bagheri, Khosrow. 2007.14.03. *Accepted Commentary on Experimental Religious Science*. Tehran: The Board of the Supreme Council of Theory.
14. Barzegar, Akbar. 2007. *Mosque Architecture Guidance*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development.
15. Bidhindi, Mohammad. 2004. An Analysis of the Relationship of Man with the Universe in Mulla Sadra's





- Philosophy. *Journal of Religious Thought at Shiraz University* (11): 1-14.
16. Bolkhari Ghohi, Hassan. 2009. *The Story of Art in Islamic Civilization*. Tehran: Soureh-e Mehr Publications.
 17. Davari Ardakani, Reza. 2001. Mulla Sadra and the Converged New Philosophy. *Sadra's Khiradnameh* (24): 5-7.
 18. Dean Mohammadi, Ali, and Hossein Aryan. 2012. The Exemplar of Imagination in Islamic Mysticism. *Islamic Mysticism Quarterly* 9 (34): 218-241.
 19. Dilworth, John. 2006. Perception, Introspection and Functional Consonance. *Theoria*. Western Michigan University: 299-318.
 20. Ebrahimi Dinani, Gholam Hossein. 1987. *Lights of Thought and Intuition in Suhrawardi's Philosophy*, 2nd. Tehran: Hekmat.
 21. Ericson, K.A, and H.A Simon. 1998. How to Study Thinking in Everyday Life: Contrasting Think-Aloud Protocols with Descriptions and Explanations of Thinking. *Mind, Culture, and Activity* (53): 178-196.
 22. Ettinghausen, Richard and Grabar, Oleg. 2012. *Islamic Art and Architecture*. Translated by Jacob Azhand. Tehran: Mola.
 23. Ghadir Information Center. 2006. *Software of Light (Imam Khomeini's Sahifaf)*, Volume 1. Tehran.
 24. Goulding, Christina. 2005. *Grounded Theory: A Practical Guid for Management, Business and Market Researchers*. London: SAGE Publication.
 25. Künnapu, Vilen. 2013. Louis Kahn and the Images of Eternal Architecture. *Ehituskunst*: 47-48.
 26. Nasr, Seyed Hossein. 2002. *Islam and The Plight o Modern Man*. Cambridge: The Islamic Text Society.
 27. Grute, Linda, and David Wang. 2007. *Research Methods in Architecture*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: Tehran University Press.
 28. Haeri Shirazi, Mohammad Sadegh. 2017. *Thinking*. Edited by Sajjad Mohammadi and Razieh Haghightat. Tehran: Ma'aref.
 29. Hamedani, Yaghub. 1983. *Rotbat ol-Hayat*. Tehran: Toos.
 30. Hillen Brand, Robert. 2001. *Islamic Architecture*. Translated by Ayatollah Zadeh Shirazi. Tehran: Rozaneh.
 31. Javadi Amoli, Abdullah. 2010. *Epistemology in Quran*. Qom: Isra Publishing Center.
 32. 1993. *Cognition in Quran*. Tehran: Raja.
 33. Kaviani, Mohammad. 2012. *Islamic Lifestyle and its Measurement Tools*. Tehran: Institute of Hoowza and University.
 34. Khademi, Ainullah, Abdullah Salavati, Leila Pourakbar, and Marwa Dolatabadi. 2018. Mulla Sadra's Philosophical and Mystical Encounter with Issue of Death. *Contemporary Wisdom* 9 (1): 47-62.
 35. Khademi, Ainullah, and Leila Pourakbar. 2014. The science of Perfect Man in Mulla Sadra's Point of View.





- Shiraz Religious Thought Quarterly* 14 (4): 103-138.
36. Khalili, Moghaddaseh. 2011. The Relationship between Man and God in Transcendent Wisdom. *Quarterly of the Faith of Hikmat* (8-9): 99-135.
 37. Khamenei, Seyyed Ali. 2013. *General Outline of Islamic Thought in Quran*. Edited by Sahba. Tehran: Iman Jihadi Institute.
 38. Khosrowpanah, Abdul Hussein. 2011. The Explanation and Analysis of Sacred Science in Traditionalism by Dr. Seyyed Hossein Nasr. *Methodology of Humanities Quarterly* 17 (67): 7-33.
 39. Khosrowpanah, Abdul Hussein, and Group of Researchers. 2018. *Imam Khomeini's Intellectual System*. Tehran: Organization of Publications of the Research Center for Islamic Culture and Thought.
 40. Künnapu, Vilen. 2013. Louis Kahn and the Images of Eternal Architecture. *EHITUSKUNST uurimusi arhitektuurist ja teooriast*. 01 15. Accessed 01 28, 2016. <http://ehituskunst.eevilen-kunnapu-louis-kahn-and-the-images-of-eternal-architecture?lang=en>.
 41. Madadpour, Mohammad. 2009. *Introduction to Ideas of Thinkers about Art: Art and Beauty in Insight of Avangard Thinkers: Modern and Postmodern*. Tehran: Sura.
 42. MadadPour, Mohammad. 2010. *Onsi Wisdom and Mystical Aesthetics of Islamic Art*. Tehran: Sureh Mehr.
 43. Majlisi, Mohammad Baqir. *Bihar ol-Anwar Li-Dorar Akhbar il-Aemah il-Athar, 110 volumes*. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
 44. Mirzaei, Samanbar, and Hadi Vakili. Imagination and Mithal in Thought of ibn Arabi and Mulla Sadra. *Contemporary Wisdom* 5 (1): 133-160.
 45. Mishra, Shanti Bhushan, and Shashi Alok. 2019. *Handbook of Research Methodology*. New Delhi: Educreation.
 46. Motahari, Morteza. No Date. *Material Worldview and Divine Worldview*. Qom: Sadra.
 47. . 1990. *Introduction to the Islamic world-Human and Faith*. Tehran: Sadra.
 48. 1975. *Unseen Helps*. Tehran: Sadra.
 49. Musavi Khomeini, Seyyed Ruhollah. 2001. *Adab al-Salaat*. Tehran: Imam Khomeini Institute for Publishing and Editing.
 50. Nasr, Seyed Hossein. 2016. *Knowledge and Sacrament*. Edited by Farzad Haji Mirza'i. Tehran: Publication of Farzan Rooz Research.
 51. 2002. *Islam and the Plight of Modern Man*. Cambridge: The Islamic Text Society.
 52. Noghrekar, Abdul Hamid. 2020. *Notes on Speeches about Unseen Thoughts in Structure of Human Processes from Thought to Action*. Translated by Fatemeh Jalilzadeh Mohammadi. Tehran: Not Published.
 53. Farhang Mozaffar, and Samaneh Taqdir. 2017. *The Correspondence of Man and Existence in Islamic*





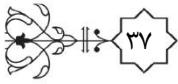
- Thought and its Reflection in Islamic Architecture. *Armanshahr* 10 (19): 79-93.
54. 2016. The Relationship of Islam with Human Processes. *The Quarterly Journal of Islamic Architecture* 4 (12): 4-27
55. 2014. *Collection of Electronic Booklets and Files Presented in PhD Classes*. . Tehran : University of Science and Technology, Faculty of Architecture and Urbanism.
56. 2009. The Relationship between Islam and Philosophy of Art and Beauty. *International Journal of Architecture and Urban Design* 19 (6): 111-122.
57. Orwari Mowafagh, Akbar. 2016. Fundamental Ontology of Imam Khomeini's Political Thought. *Journal of the Islamic Revolution* (21): 51-67.
58. Parsania, Hamid. 2011. *Critical Methodology of Sadra Wisdom*. Qom: Farda.
59. 2004. *Existence and the Descent of Man in Islam*. Qom: Maaref.
60. Raees Samiy, Mohammad Mehdi. 2004. *The Theory of the Levels of Existence, their Interpretation in Architecture*. Ph.D. Thesis of Architecture. Sypervisor: Hadi Nadimi. Tehran: Shahid Beheshti University, Faculty of Architecture and Urbananism.
61. Ra'isi, Mohammad Manan. 2017. Semantics of Text Architecture based on Islamic Teachings. *Quarterly Theology of Art* (6): 53-87.
62. Razjuyan, Mahmoud. 2020. *Notes on Speeches on the Manifestation of the Unseen in Architecture*. Edited by Fatemeh Jalilzadeh Mohammadi. Tehran: Not Published.
63. 2001. Toward the Sanctuary and Approaching the Spiritual Moments. *Soffeh* (32): 118-131.
64. Rabiee, Hadi. 2014. *Findings in the Nature of Islamic Art*. Tehran: Academy of Arts Reynolds, Paul Advinson. 2006. *A Primer in Theory Construction*. London: Routledge.
65. Riahi, Ali Arshad, and Safiyah Vazei. 2009. Mithali Realm in Mulla Sadra's Thoughts. *Religious Thought Quarterly* 9 (30): 75-102.
66. Rouhani, Ali. 2015. *Notes on Talkings about Unseen Architecture of Mosque' in Thinking Institute*. Edited by Fatima Jalilzadeh Mohammadi. Tehran: Not Published.
67. Samer, Akkach. 2005. *Cosmology and Architecture in Premodern Islam*. Edited by Seyyed Hossein Nasr. New York: State University of New York Press.
68. Schwitzgebel, Eric. 2008. The Unreliability of Naive Introspection. *Philosophical Review, University of California* 117 (2): 245-273.
69. Shankaei, Marzieh. 2002. *Allah's Names a Comparative Study*. Tehran: Sorush.
70. Shirazi, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim. 1990. *Al-Hikmat ol-Mota'aaliah fil-Asfar il-Arb'aah tol-'Aaghliyyah*. Volumes 6 and 9. Beirut: Dar al-'Ihya li Torathi al-Arabi.





71. 1984. *Mafatih ol-Ghaib*. Edited by Mohammad Khaji. Tehran: Cultural Research Institute.
72. 1981. *The Secrets of al-Ayat*. Tehran: The Society of Wisdom and Philosophy of Iran.
73. Strauss, A, and J Corbin. 1998. *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Los Angeles, Calif: Sage Publication.
74. Suzanchi, Hussein. 2004. Unity of Existence in Mota'alieh Wisdom, a Historical-Semantic Survey. *Wisdom Letter* (4): 133-167.
75. Taghdir, Samaneh. 2014. *Architectural Process Structure and Perception of Architectural Works Based on Transcendent Wisdom*. PhD Thesis. Guided by Abd ol-Hamid Noghreh Kar and Farhang Mozaffar. Tehran: Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Science and Technology.
76. Wasiq , Behzad. 2013. *The Framework for the Principles of House Architecture in Relation to Quranic Concepts*. Ph.D. Thesis on Architecture. Supervisor: Mohammad Reza Bemanian. Tehran: Tarbiat Modares University, Faculty of Arts and Architecture.
77. Wasserman, James. 2008. *The Secrets of Masonic Washington: A Guidebook to Signs, Symbols, and Ceremonies at the Origin of America's Capital Paperback*. Massachusetts: Destiny Books.
78. Ziaeeian Nourbakhsh, Seyed Hamid. 2007. *Architecture of Zikr" (Entry on Fitri Architecture)*. Ph.D. Thesis on Architecture. Supervisor: Hadi Nadimi. Tehran: Shahid Beheshti University, Faculty of Architecture and Urbanism





Surveying Introspection of Architecture of Jame' Mosque of Isfahan with Emphasis on Grounded Study of Unseen Concepts of Hafez' and Mulavi's Lyrics

Fatima Jalilzadeh Mohammadi

PhD Candidate, Department of Architecture, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

AmirBahman Adibzadeh

Associate Professor, Department of Architecture, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran
Associate Professor, Department of Architecture, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Corresponding author: adibzadh@yahoo.com

Ahmad Aminpoor

Assistant Professor, Department of Architecture, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Recived: 30/07/2018 **Accepted:** 06/07/2021

Abstract

There are close relationships between hidden structures of mosques and unseen concepts embodied in Persian language and literature of Iran, which indicates the religious beliefs. The places that have been created as the result of unseen concepts, show that construction of famous mosques in Iran, especially in Isfahan Style are immortal and timeless. A question arises in this context as to what factors have led to the manifestation of unseen concepts in the architecture of Isfahan mosques objectively? And what are the evidences of unseen confirmations that led to focus of Divine Attention and Approach? In this regard, this research aims to answer the questions raised, especially in the mosque of Isfahan and tries to address the factors that led to the manifestation of the unseen in this building. The research method is introspection and its strategy is grounded theory. The method refers to the unseen sources of Persian literature of Iran Hafez's and Mulavi's lyrics to extract unseen concepts then introspective descriptions of case study are presented as internal perceptions of the manifestation of concepts in the architecture of the mosque of Isfahan, in order to elucidate the effective factors in the immortality of this mosque. The emergence of The Unseen Nature of existence is Divine Hidden Manifestation in the mirror of creation, which can be understood by worship to pay attention to inner realms. Therefore, the architecture of the place-time of worship can be a container of intuition of unseen realms of existence. The paradigmatic allegorical immortal language of unseen architecture in Jame' Mosque of Isfahan is full of glimpses of witnesses in different periods, in desire to intuit unseen realities. In this mosque, concepts derived from the Hafiz's and Mulavi's poems as persons who have indwelled in unseen realm and speak about the realities allegorically that can be employed as esoteric meanings of architecture with their manifestation in place and time. This research is done





with hope to use the unseen meanings in mosque architecture to upgrade them as reminder of unseen realities and in a higher level as unseen places.

Keywords: Places of Unseen, Unseen Poems, Isfahan Jame` Mosque, Introspection, Graounded Theory

